



پژوهشکده مجازی حقوق

مناهیج  
تفوق دانش



گزارش پژوهشی

# مداخلات خارجی در سوره از منظر حقوق بین الملل



شماره مسلسل: ۹۱۰۸۰۴۰۰۱

تاریخ: ۹۱/۰۸/۰۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



عنوان گزارش:

« مداخلات خارجی در سوریه از منظر حقوق بین الملل »

نام گروه: حقوق بین الملل

کارشناس:

حسین خلف رضایی

ناظر علمی:

ویراستار تخصصی: محمد نیک فرجام

واژگان کلیدی:

شماره مسلسل: ۹۱۰۸۰۴۰۰۱

تاریخ انتشار: ۱۳۹۱/۰۸/۰۴





## فهرست

مقدمه.....	۴
۱. حقوق توسل به زور در حقوق بین الملل.....	۵
۲. مداخله بشردوستانه نظامی استثنا یا نقض حقوق توسل به زور.....	۷
۳. مداخله در سوریه.....	۱۴
۴. نتیجه گیری.....	۲۱





## «مداخلات خارجی در سوریه از منظر حقوق بین الملل»

### مقدمه

در پی اوضاع وخیم و اسفبار در بوسنی و کوزوو، ناتو تصمیم به مداخله و مقابله با یوگسلاوی سابق گرفت که این اقدام بدون پیشداوری در مورد انگیزه های سیاسی آن- توسط حقوقدانان برجسته بین المللی به عنوان عملی مغایر با قواعد موضوعه منشور ملل متحد ارزیابی شد. در جایی که ممنوعیت مطلق توسل به زور در منشور ملل متحد پیش‌بینی شده است و تمام اشکال توسل به زور در روابط بین المللی بجز دو استثنای اقدامات قهری براساس فصل هفتم منشور و توسل به دفاع مشروع ممنوع گردیده است، ظاهراً جایی برای استناد به مداخله بشردوستانه نظامی نمی‌ماند. برخی حقوقدانان اگرچه به مغایرت مداخله ناتو با نص منشور اذعان داشته اند اما وخامت و ویژه بودن وضعیت را توجیهی بر استثنایی بودن این اقدام تلقی کرده اند و مدعی شده اند که این اقدام در آن شرایط لازم بوده هرچند نمی‌تواند به منزله سابقه ای قانون ساز در نظر گرفته شود.

اظهارات دولتمردان برخی کشورهای غربی، عربی و ترک در حمایت از راهبردهای نظامی در سوریه بار دیگر موضوع مداخله به اصطلاح بشردوستانه نظامی را در اذهان زنده کرده است. در این جستار، قانونی بودن اینگونه مداخلات در سوریه از منظر حقوق توسل به زور یا حقوق بر جنگ (*jus ad bellum*) مورد بررسی قرار می‌گیرد.





## ۱. حقوق توسل به زور در حقوق بین الملل

از گذشته های دور جنگ یکی از ابزارهای حل اختلافات بین المللی و از راهبردهای امنیت ملی به شمار می آمد. توسل به قوای قهری در صورت های و به انحای مختلفی به کار گرفته می شد. چنانکه در کنار جنگ های مرسوم و کلاسیک میان دولت ها که با اعلان رسمی وضعیت جنگ همراه بود، دولت ها به استناد دفاع از اتباع یا منافع حیاتی خود به عناوینی نظیر خودیاری<sup>۱</sup> و یا مداخله بشردوستانه<sup>۲</sup> نیز متوسل می شدند.

جنگ تجاوزکارانه و کشورگشایی از گذشته های دور امری مذموم به شمار رفته است. با اینحال، واقعیت ها و تجارب تلخ جامعه بشری گواهی بر آن است که بسیاری از دولتها از این قاعده پیروی نکرده اند. پس از آنکه جامعه جهانی از جنگ های خانمان سوز قدرت های جهانی به ستوه آمد، در میثاق جامعه ملل محدودیت هایی بر آتش افروزی و توسل به زور پیش بینی شد. این سند نیز نتوانست مانع زیاده خواهی های قدرتهای جهانی شود با نواختن شیپور جنگ جهانی دوم و داعی بود با آرمان همبستگی بیشتر جهانی. حتی پیمان برلین-کلوگ یا پیمان پاریس (۱۹۲۸) که به عنوان پیمان تحریم جنگ شناخته می شود و در آن، کنار نهادن جنگ از ابزارهای سیاست ملی پیش بینی شده بود نیز نتوانست از بر افروختن شعله های جنگ جهانی دوم پیشگیری کند. با این اوصاف، در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد، ممنوعیت مطلق توسل به زور مقرر شد و به علاوه، تهدید به کاربرد زور و دیگر شیوه های مغایر با مقاصد ملل متحد از عداد راهبردهای قانونی کشورها خارج

<sup>1</sup> Self-help

<sup>2</sup> Humanitarian intervention





قلمداد شد.<sup>۳</sup> در این چارچوب، تنها اقدامات قهری ملل متحد بر وفق تصمیم لازم الاجرای فصل هفتمی منشور<sup>۴</sup> و حق ذاتی دفاع مشروع<sup>۵</sup> با برخی شرایط از این ممنوعیت استثناء شد.

ممنوعیت توسل به زور در روابط بین المللی با توجه به حمایت ها و تأکیدات اسناد بین المللی وضعیتی خاص یافت بگونه ای که این قاعده به مثابه قاعده ای آمره از حقوق بین الملل عام مورد شناسایی قرار گرفته است.

<sup>۳</sup> بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد مقرر می‌دارد: «کلیه اعضا در روابط بین المللی خود از تهدید به زور یا استعمال آن علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مباینت داشته باشد خودداری خواهند نمود.»

در کنار تعهد سلبی عدم توسل به زور در روابط بین المللی، دولت ها به طور ایجابی به حل اختلافات خود از طرق مسالمت‌آمیز فراخوانده شده‌اند؛ به‌گونه ای که این رویکرد در زمره اصول سازمان ملل متحد برشمرده شده است. بند ۳ ماده ۲ منشور مقرر می‌دارد: «اعضای سازمان اختلافات بین‌المللی خود را به وسایل مسالمت‌آمیز تسویه می‌نمایند به نحوی که صلح و امنیت بین‌المللی و همچنین عدالت به‌مخاطره نیفتد.»

<sup>۴</sup> بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد اشعار می‌دارد: «هیچ‌یک از مقررات مندرج در این منشور، ملل متحد را مجاز نمی‌دارد در اموری که ذاتاً جزو صلاحیت داخلی هر کشوری است دخالت نماید و اعضا را نیز ملزم نمی‌کند که چنین موضوعاتی را تابع مقررات این منشور قرار دهند لیکن این اصل به اعمال اقدامات قهری پیش‌بینی شده در فصل هفتم لطمه وارد نخواهد آورد.»

<sup>۵</sup> ماده ۵۱ منشور ملل متحد بیان داشته است: «در صورتی که یک عضو ملل متحد مورد تجاوز مسلحانه واقع شود، هیچ یک از مقررات این منشور به حق طبیعی دفاع مشروع انفرادی یا اجتماعی تا موقعی که شورای امنیت اقدام لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به عمل آورد لطمه وارد نخواهد آورد. اقداماتی را که اعضا برای اجرای حق دفاع مشروع به عمل می‌آورند فوراً به شورای امنیت اطلاع دهند، ولی این اقدامات به هیچ وجه در اختیارات و وظایفی که شورا بر طبق این منشور دارد و به موجب آنها در هر موقع روشی را که برای حفظ و یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی لازم می‌داند می‌توانند اتخاذ کند تأثیری نخواهد داشت.»





عمل تجاوز<sup>۶</sup> به عنوان وضعیتی مغایر با صلح و امنیت بین المللی شناخته شد (ماده ۳۹) و احراز و واکنش به آن از کارویژه‌های اصلی شورای امنیت در نظر گرفته شد و البته در این میان، حق دفاع مشروع نیز سلب نشد. (ماده ۵۱) جنایت تجاوز<sup>۷</sup> نیز به عنوان یکی از جنایات بین المللی مورد وفاق جامعه جهانی قرار گرفته و در کنار مسئولیت بین المللی دولت متجاوز، مسئولیت کیفری فردی عوامل مؤثر دخیل در این واقعه در صلاحیت محاکم داخلی (با بسط صلاحیت جهانی) و مراجع بین المللی (محاکم کیفری بین المللی از جمله دیوان کیفری بین المللی) قرار گرفته است.

## ۲. مداخله بشردوستانه نظامی استثنا یا نقض حقوق توسل به زور

همان‌طور که اشاره شد، ممنوعیت مطلق توسل به زور در زمره قواعد آمره حقوق بین الملل عام شناخته می‌شود. قواعد آمره بیانگر قواعد الزامی و غیرقابل عدول جامعه بین المللی هستند که اعمال و وقایع حقوقی معارض با آنها محکوم به بطلان است به دیگر سخن، قواعدی که پیش از ظهور این قواعد در حقوق بین الملل مطرح بوده است با پیدایش این قواعد باطل خواهند شد و پس از آن نیز نمی‌توان بر قواعدی معارض توافق نمود مگر آنکه قاعده معارض جدید نیز به عنوان قاعده ای آمره شناسایی شود.<sup>۸</sup> در نتیجه می‌توان گفت تمامی اشکال توسل به زور (بجز دو استثنای یادشده) هرچند پیش‌تر از پشتیبانی قواعد عرفی برخوردار بوده اند، بلا اثر خواهند بود.

<sup>۶</sup> Act of aggression

<sup>۷</sup> Crime of aggression

<sup>۸</sup> نک. مواد ۵۳ و ۶۴ عهدنامه ۱۹۶۹ وین راجع به حقوق معاهدات







مداخله بشردوستانه از دیرباز به طور غالب در حمایت از اتباع تحت رنج و ستم‌دیده از اعمال دولت خارجی مورد استفاده قرار گرفته است. داشتن مبنای عادلانه برای ورود به جنگ و مأخوذ بودن به برخی اصول و هنجارهای رفتاری تشکیل دهنده دکترین جنگ عادلانه<sup>۹</sup> بوده است. ایالات متحده در قرن بیست و یکم این اصطلاح را دوباره در کانون توجهات جهانی قرار داد؛ رئیس جمهور سابق این کشور، جورج دبلیو بوش، پس از واقعه یازدهم سپتامبر از احیای جنگهای صلیبی سخن رانده و رئیس جمهور بعدی، باراک اوباما نیز دکترین جنگ عادلانه را دوباره در سطح سیاست‌گذاری دولت قرار داد. البته همان طور که اشاره شد، پیش از این نیز دکترین مداخله بشردوستانه در جریان نسل کشی مسلمانان توسط صرب‌ها به وقوع پیوست<sup>۱۰</sup> و با همه انتقادات نسبت به غیرقانونی بودن آن، به عنوان موردی منحصر به فرد و غیرقابل استناد به عنوان یک رویه قلمداد شد<sup>۱۱</sup> و با توجه به جنایات غیرقابل توصیفی که در بوسنی و کوزوو رخ داد کسی نتوانست

#### <sup>۹</sup> Just war

<sup>۱۰</sup> سرسختی و مخالفت میلوشوویچ در پذیرش مفاد کنفرانس صلح رامبویه (مفاد پیشنهادی جهان غرب) اعضای ناتو را گام به گام به مداخله نظامی در یوگسلاوی نزدیک ساخت. در این بین مخالفت چین و روسیه در شورای امنیت مانع از تصویب هرگونه قطعنامه ای در چهارچوب فصل هفتم منشور گردید. اما به تدریج شرایط به گونه ای پیش رفت که در سحرگاه چهارشنبه ۲۶ مارس ۱۹۹۹ سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) بدون مجوز شورای امنیت اقدام به مداخله نظامی در یوگسلاوی نمود. (<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910730000098>)

<sup>۱۱</sup> برونو سیمما، "ناتو، سازمان ملل و جنبه های حقوقی استفاده از زور"، مترجم: محمدجعفر قنبری جهرمی، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۲۴، ۱۳۷۸، ص ۲۷۹.





مشروعیت واکنش به آن وضعیت را منکر شود.<sup>۱۲</sup> برخی نویسندگان اقدام ناتو را نمودی از ایجاد یک دکترین در حقوق بین الملل دانسته اند که بر طبق آن، کاربرد زور به منظور جلوگیری از فجایع و جنایات بی مهابا و گسترده یک دولت در قلمرو سرزمین خود مجاز است البته در صورتی که شورای امنیت از واکنش مقتضی و در خور باز مانده باشد.<sup>۱۳</sup> و<sup>۱۴</sup>

<sup>۱۲</sup> شایان ذکر است که قدرت های غربی مسئولیتی غیر قابل انکار در وقوع نسل کشی مسلمانان بوسنیایی دارند. چنانکه لوترپاخت قاضی دیوان بین المللی دادگستری در قضیه مربوط به نسل کشی صربستان، شورای امنیت را به جهت وضع تحریم تسلیحاتی که بوسنی را در بر می گرفت، شریک در وقوع نسل کشی دانست زیرا با این تحریم، مردم بوسنی در مقابل بی دفاع مانده و قتل عام شدند. نک.

*Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro), Request for the Indication of Provisional Measures, Order of 8 April 1993, Separate opinion of Judge ad hoc Lauterpacht, ICJ Reports, para. 102*

<sup>۱۳</sup> Antonio Cassese, "Ex iniuria ius oritur: Are We Moving towards International Legitimation of Forcible Humanitarian Countermeasure in the World Community?", *EJIL*, vol. 10, 1999, p. 23.

<sup>۱۴</sup> شایان ذکر است که برطبق قطعنامه ۳۷۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد معروف به قطعنامه اتحاد برای صلح در مواردی که شورای امنیت به علت و تو یکی از اعضای دائم خود نتواند به هنگام تهدید علیه صلح، نقض صلح و یا عمل تجاوز اقدام مناسبی انجام دهد، مجمع عمومی سازمان ملل متحد می تواند در موضوع وارد شده و اتخاذ تصمیم کند. در این راستا مجمع عمومی می تواند راهکارهای ضروری از جمله کاربرد نیروی نظامی را مورد توجه قرار دهد. قطعنامه اتحاد برای صلح بر اساس پیشنهاد ایالات متحده آمریکا با موافقت اولیه ۷ عضو شورای امنیت (کانادا، فرانسه، ترکیه، فیلیپین، انگلستان، اروگوئه و ایالات متحده آمریکا)، در اکتبر ۱۹۵۰ به عنوان راهکاری برای خنثی نمودن تو و مخالفت های مکرر شوروی سابق با اجرای اقدامات شورای امنیت در جریان جنگ کره به مجمع عمومی ارائه گردید.





بی‌شک، رعایت ملاحظات اولیه انسانی،<sup>۱۵</sup> حقوق بنیادین بشر و حقوق بشردوستانه بین المللی از قلمرو امور تحت صلاحیت انحصاری دولتها به در آمده و دغدغه ای جهانی مبدل شده است. به بیان دیگر، جامعه جهانی نسبت به نقض جدی این اصول و هنجارها بی تفاوت نخواهد بود و یا نمی بایست باشد. مع الوصف، جامعه بین المللی علیرغم چنین تعلق خاطری نتوانسته است تمهیدات و چارچوب‌های نهادین و قابل اطمینانی را برای تعقیب این نگرانی‌ها پدید آورد. در واقع، با ورود این مقولات در حوزه تعهدات عام الشمول (*erga omnes*) تمامی دولت‌ها در پیگیری قانونی این تعهدات ذینفع دانسته شده‌اند و در نتیجه، از سازوکار کلاسیک و مرسوم اقدامات متقابل به این امر واکنش نشان دهند.<sup>۱۶</sup> البته این اقدامات براساس طرح مواد راجع به مسؤولیت بین‌المللی دولتها (۲۰۰۱)<sup>۱۷</sup> و بنا بر اعلامیه اصول حقوق بین الملل در زمینه روابط دوستانه و همکاری میان دولتها مطابق منشور ملل متحد،<sup>۱۸</sup> نباید دربرگیرنده تهدید یا استفاده از نیروی نظامی باشند. این رویکرد که به واکنش‌ها و اقدامات پراکنده و نامتمرکز<sup>۱۹</sup> می‌انجامد با سیستم امنیت جمعی منبعث از نظام منشور ملل متحد<sup>۲۰</sup> چندان مناسبتی ندارد.

<sup>15</sup> Elementary considerations of humanity

<sup>16</sup> Report of the International Law Commission on the Work of Its Fifty-Third Session (2001), UN GAOR, 56<sup>th</sup> Sess., Supp. No. 10, UN Doc. A/56/10, art. 54. (hereinafter: "The draft articles on Responsibility of States for internationally wrongful acts")

<sup>17</sup> *Ibid*, art. 50.

<sup>18</sup> GA. Res. 2625 (XXV) (1970).

<sup>19</sup> *do-it-yourself* sanctions system

<sup>20</sup> این رویکرد را در فصل هفتم منشور ملل متحد و به ویژه ماده ۴۱ می‌توان مشاهده کرد.





با توجه به ناکارآمدی ساختاری نظام بین المللی موجود که در برخی موارد امکان واکنش مقتضی و یا به موقع به برخی وضعیت های مخاطره آمیز برای صلح و امنیت جهانی را نمی دهد و جنایات بین المللی بی کیفر می ماند، دکترین "مسئولیت حمایت"<sup>۲۱</sup> مطرح شد. این طرح در سند نهایی اجلاس سران ۲۰۰۵ مجمع عمومی در عالی ترین سطح مورد توافق دولتها قرار گرفت و در گزارش سال ۲۰۰۹ دبیرکل سازمان ملل متحد<sup>۲۲</sup> کاملاً تبیین شد. به گونه ای که شورای امنیت در قطعنامه راجع به بحران لیبی، مسئولیت حمایت دولت قذافی از مردم در قبال جنایات جنگی را متذکر شد. متأسفانه برخی دکترین مسئولیت حمایت را نسخه به روز شده دکترین مداخله بشردوستانه می پندارند حال آنکه برخلاف دکترین اخیر، مسئولیت حمایت مجوزی برای مداخله نظامی کشورها در دیگر کشورها را فراهم نمی آورد.

دکترین مسئولیت حمایت در سه سطح طراحی شده است. در وهله نخست، هر دولت موظف است از مردم خود در برابر جرم جنگی، جنایات علیه بشریت، نسل کشی<sup>۲۳</sup> و پاکسازی قومی<sup>۲۴</sup> محافظت کند. در سطح دوم، دیگر دولت ها - در صورت ناتوانی یا بی میلی دولت مورد نظر در ایفای وظایف خود- متعهد به ظرفیت سازی و کمک برای اعمال مسئولیت در قبال محافظت از مردم در برابر جنایات یادشده هستند. در سطح سوم، شورای امنیت با توجه به عدم کفایت مراحل پیشین وارد عمل شده و ممکن

<sup>21</sup> Responsibility to protect (R2P)

<sup>22</sup> *Report of the Secretary-General on implementing the responsibility to protect*, 12 January 2009, UNGAOR, Sixty-third session, UN Doc. A/63/677.

<sup>23</sup> genocide

<sup>24</sup> ethnic cleansing





است با توجه به اختیارات فصل هفتم منشور اقدامات قهری را تجویز کند.<sup>۲۵</sup> بنابراین، هیچ گونه تغییری در حقوق توسل به زور پیش بینی شده در منشور ملل متحد رخ نداده است و استثنایی جدید که امکان مداخلات بشردوستانه نظامی دولت ها را فراهم آورد، پدیدار نشده است.

همانطور که دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی سال ۱۹۸۶ نیکاراگوئه بیان کرده است: «توسل به زور نمی‌تواند روش مناسبی برای نظارت و تضمین... احترام به [حقوق بشر] به شمار رود».<sup>۲۶</sup> در همان سال وزارت امور خارجه انگلستان معضلات مداخله بشردوستانه یکجانبه یعنی، بدون مجوز نهادهای ذیصلاح بین‌المللی را بدین نحو خلاصه نمود: «اکثریت وسیعی از دیدگاه‌های حقوقی معاصر وجود یک حق مداخله بشردوستانه را به سه دلیل عمده نفی می‌کنند. اولاً، منشور سازمان ملل و مجموعه قواعد حقوق بین‌الملل مدرن به نظر نمی‌رسد مشخصاً جایگاهی برای چنین حقی قائل شده باشند. ثانیاً، رویه کشورها در دو قرن گذشته و به ویژه از سال ۱۹۴۵ حداکثر تعداد انگشت‌شماری از موارد واقعی مداخله بشردوستانه را شاهد بوده است - بنابر برخی ارزیابی‌ها هیچ موردی وجود نداشته است - و نهایتاً از حیث احتیاطی گفته شده است که امکان سوء استفاده از چنین حقی قویاً علیه تأسیس آن حکم می‌کند. بنابراین جوهر کلام در نپذیرفتن مداخله

<sup>۲۵</sup> اقدامات مربوط به دکترین مسئولیت به حمایت را می‌توان در سه الگوی پیشگیری، توانمندسازی و واکنش بر شمرد. نک.

2005 World Summit Outcome, GA Res. 60/1 (24 October 2005), UNGAOR, 60th Sess., UN Doc. A/RES/60/1, pars. 138 and 139.

<sup>۲۶</sup> *Military and Paramilitary Activities (Nicaragua/United States of America)*, Merits, 1986, I.C.J. Reports 1986, para. 268.





بشردوستانه به عنوان استثنایی بر اصل عدم مداخله این است که مضار آن از لحاظ احترام به حقوق بین الملل به شدت بر منافع مشکوک آن غلبه دارد».<sup>۲۷</sup>

شایان ذکر است که نهضت‌های آزادیبخش ملی در این میان دارای وضعیتی خاص هستند. حق ملت‌های تحت سلطه رژیم‌های آپارتاید، استعمار و اشغال خارجی در تعیین سرنوشت خود با عالی‌ترین تضمینات حقوقی یعنی، قواعد آمره حقوق بین الملل پشتیبانی و به رسمیت شناخته شده است. و بر این اساس، ملت‌ها در اعمال این حق می‌توانند به صورت نظامی نیز وارد کارزار شوند و از کمک‌ها و پشتیبانی مادی و معنوی دیگر دولت‌ها حتی کمک‌های تسلیحاتی برخوردار شوند. مقاومت و مقابله قهری در برابر ملت‌های تحت سلطه رژیم‌های فوق‌الذکر جنایتی بین المللی قلمداد شده و به هیچ عنوان نمی‌تواند به عنوان وضعیتی قانونی به رسمیت شناخته شود. بنابراین، رزمندگان نهضت‌های آزادیبخش که در حال حاضر، سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) به عنوان مصداق آن شناخته می‌شود، از حق پیکار با رژیم‌های خارجی که آنان را از حق تعیین سرنوشت محروم کرده‌اند، برخوردارند و نیز از حق دریافت کمک از دولت‌های خارجی برخوردارند و دولت‌های خارجی که از این نیروها پشتیبانی می‌کنند به هیچ عنوان به عنوان مداخله در امور داخلی دولت دیگر قلمداد نمی‌شوند.<sup>۲۸</sup>

<sup>27</sup> UK Foreign Office Policy Document No. 148, reprinted in 57 BY (1986) p. 614. Quoted in:

سیما، پیشین، صص ۲۸۷-۲۸۶.

<sup>۲۸</sup> براساس ماهیت و آثار قواعد آمره حقوق بین الملل می‌توان از تکلیف دولت‌ها به مساعدت به نیروهای مقاومت و نهضت‌های آزادیبخش برای نیل به حق تعیین سرنوشت آنها سخن گفت. براساس، مواد ۴۰ و ۴۱ طرح راجع به مسئولیت بین المللی دولت (۲۰۰۱) دولت‌ها مکلف به عدم شناسایی مستقیم یا غیرمستقیم وضعیت‌های مغایر قواعد آمره شده‌اند. مضافاً اینکه دولت‌ها مکلف هستند که در جهت رفع وضعیت ویا آثار غیرقانونی حاصل از





### ۳. مداخله در سوریه

بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد بیانگر اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت هاست که بیان می دارد: «هیچ یک از مقررات مندرج در منشور، سازمان ملل را مجاز نمی دارد که در اموری که ذاتاً جزو صلاحیت داخلی کشورها است دخالت کند.» این اصل با یک استثنا در مورد خود سازمان ملل متحد نیز مطرح شده است. چنانکه بند ۷ ماده ۲ منشور مقرر داشته است: «هیچ یک از مقررات مندرج در این منشور، ملل متحد را مجاز نمی دارد در اموری که ذاتاً جزو صلاحیت داخلی هر کشوری است دخالت نماید و اعضا را نیز ملزم نمی کند که چنین موضوعاتی را تابع مقررات این منشور قرار دهند، لیکن این اصل به اعمال اقدامات قهری پیش‌بینی شده در فصل هفتم لطمه وارد نخواهد آورد.»

تقض قواعد آمره کوشش و همکاری کنند. (The draft articles on Responsibility of States for internationally wrongful acts, Article 41 of the ILC Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001, paras. 1-2).  
 به عدم شناسایی از جمله تعهدات عرفی حقوق بین الملل عام نیز به شمار آمده است. Crawford, James et al. (eds.), *The Law of International Responsibility*, Oxford University Press, 2010, p. 410.  
 شورای امنیت راجع به رودزیا (در مورد عدم شناسایی و رابطه با رژیم آپارتاید) تیمور شرقی و کویت (عدم شناسایی اشغال این کشور توسط عراق)، و نیز رویه دیوان بین المللی از جمله در قضیه نامیبیا از مواردی هستند که بیانگر این تضمینات هستند. برای آگاهی بیشتر، نک. SC. Res. 216 (1965); SC. Res. 389 (1997); SC. Res. 661 (1990); *Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia (South West Africa)*, I.C.J. Reports 1971, para. 126.





اعلامیه اصول حقوق بین الملل ۱۹۷۰ نیز به صراحت تمام، عدم مداخله مستقیم و یا غیر مستقیم در امور داخلی کشورها را از اصول حقوق بین الملل مطابق منشور ملل متحد برشمرده و بیان داشته است: «اصل عدم مداخله دولتها را مکلف میسازد که به امور هیچ دولت دیگری مداخله نکنند. یعنی، هیچ دولت و یا گروه از دولتها حق ندارند، به هر علتی که باشد، بطور مستقیم و یا غیر مستقیم، به امور داخلی و یا خارجی یک کشور دیگر مداخله کند. در نتیجه، مداخله نظامی و هرگونه مداخله دیگر، یا تهدید برضد شخصیت یک دولت یا برضد بنیادهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی یک دولت، نقض حقوق بین الملل محسوب میشوند.

هیچ دولتی نمیتواند با به کارگیری تدبیرهای اقتصادی، سیاسی و غیره، یک دولت دیگر را ناگزیر بسازد تا اجرای حقوق حاکمیت آن را تابع خویش سازد و یا امتیازهای را از آن برای خویش محفوظ بدارد. همچنان، هیچ کشوری نباید، فعالیتهای خرابکارانه، دهشت افکنانه یا نظامی را که مقصودش سرنگونی خشونت بار حکومت در کشور دیگر است را سازماندهی کند؛ یاری رساند؛ برانگیزاند؛ تأمین کند؛ تحریک نماید؛ و یا آنرا تحمل کند. هیچ دولتی نباید به کشمکشهای داخلی کشور دیگر مداخله کند. توسل به زور برای سلب مردمان از هویت ملی ایشان، نقض حقوق جداناپذیر ایشان شمرده میشود و تخلف از اصل عدم مداخله است. هر





کشور، بدون هرگونه مداخله از سوی کشور دیگری، حق سلب ناشدنی دارد تا نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی خویش را برگزیند.<sup>۲۹</sup>

در اعلامیه مجمع عمومی ملل متحد درباره غیرقابل پذیرش بودن ورود و مداخله در امور داخلی دولتها و حمایت از استقلال و حاکمیت آنها<sup>۳۰</sup> نیز دولت ها به تعهداتی در مورد اجتناب از مداخله در امور داخلی دیگر کشورها موظف دانسته شده اند از جمله؛ به خودداری از هرگونه تهدید یا کاربرد زور در روابط بین المللی که ناقض مرزهای بین المللی باشد؛ به منظور اختلال در نظم سیاسی، اجتماعی، یا اقتصادی دیگر دولت ها باشد؛ به منظور براندازی یا تغییر در نظام سیاسی یا حکومت دیگر دولت باشد؛ به جهت ایجاد تنش میان دولت ها بوده یا عامل محرومیت مردم از هویت ملی شان و میراث فرهنگی شان باشد.<sup>۳۱</sup>

حقوق بین الملل موجب تخصیص صلاحیت دولت هاست و نه عامل تحدید حاکمیت آنها. در نتیجه، به میزان پیشروی حقوق بین الملل، از دایره و دامنه صلاحیت انحصاری دولت ها که ظهورات حاکمیت ملی سو نه خود حاکمیت- هستند، کاسته می شود. یکی از مقولاتی که از قلمرو صلاحیت انحصاری دولت ها بیرون آمده و به مسأله حقوق بین الملل مبدل شده

<sup>۲۹</sup> ترجمه به نقل از: عید محمد عزیزپور، " اصل عدم مداخله در حقوق بین الملل"، ۳ مرداد ۱۳۹۱، قابل دسترس بر:

<http://khawaran.com/سیاسی/اصل-عدم-مداخله-در-حقوق->

[html-بین-الملل](http://khawaran.com/html-بین-الملل)

<sup>۳۰</sup> *Declaration on the Inadmissibility of Intervention and Interference in the Internal Affairs of States*, UN Doc. **A/RES/36/103**, 9 December 1981. Available at: <http://www.un.org/documents/ga/res/36/a36r103.htm>

<sup>۳۱</sup> *Ibid*, para. 2(II. (a)).





است، موضوع حقوق بشر است. بدیهی است که این امر به معنای نادیده انگاشتن دیگر اصول و قواعد حقوق بین الملل نیست و مانند هر موضوع دیگر حقوقی، سازوکارهای مشخصی برای پیگیری و تضمین اجرای آن وجود دارد.

توجهات خاص جامعه بین المللی نسبت به پاسداشت و صیانت از حقوق بنیادین بشر تا بدانجا نرفته است که اصول بنیادین نظم کنونی حقوق بین الملل را به ورطه فراموشی سپرده و مجوزی برای عدول از اصل الاصول نظام بین المللی یعنی، عدم توسل به زور اعطا کند. با این همه، ذکر این نکته در خور تأمل است که اگرچه تغییری در قواعد حقوق توسل به زور همانطور که در منشور مطرح شده است پیش نیامده است اما تحولی که در دوران معاصر تغییر نگرش به مقوله صلح و امنیت جهانی و موضوعاتی است که این وضعیت ها را به مخاطره می اندازند. این رویکرد در رویه شورای امنیت نیز قابل ملاحظه است.<sup>۳۲</sup>

در دو دهه اخیر توجه به حقوق بنیادین بشر و اصول اولیه انسانی و حقوق بشردوستانه عموماً دارای چنان اهمیتی دانسته می شود که نمی توان نقض های فاحش و جدی آنها را نادیده گرفت. بنابراین، شورای امنیت در مواردی، چنین نقض هایی را مبنای تصمیم خود به جهت اتخاذ اقدامات یا تدابیر لازم الاجرای خود قرار داده است. این وضعیت به عنوان مثال، در قطعنامه ۱۹۷۰ شورای امنیت (۲۰۱۱) در مورد دولت قذافی از ویژگی خاصی برخوردار است؛ جایی که این شورا بدون آنکه از وضعیت های مندرج در ماده ۳۹ به طور مشخص یاد کند، نقض هایی که می تواند به

---

<sup>۳۲</sup> شورای امنیت که مسئولیت اولیه حفظ یا برقراری صلح و امنیت بین المللی را بعهده دارد (ماده ۲۴ منشور ملل متحد) و براساس ماده ۳۹، از صلاحیت احراز وضعیت های تجاوز، تهدید یا نقض صلح و امنیت بین المللی برخوردار است.





آستانه جنایت علیه بشریت برسد را مدعا و مبنای تصمیمات اجرایی خود وفق ماده ۴۱ قرار داد و متعاقباً با قطعنامه ۱۹۷۳ بر پایه ماده ۴۲ مجوز مداخله نظامی در این کشور را اعطا کرد.

قطعنامه ۲۰ ژوئن ۲۰۱۲ که بر مبنای فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد در مورد سوریه تهیه شده بود با وتوی چین و روسیه - دو عضو دائم شورای امنیت - به نتیجه نرسید و بدین ترتیب، امکان مداخله در امور این کشور به استناد فصل هفتم منشور رد شد.<sup>۳۳</sup> سوریه بیش از یکسال است که در آتش جنگ داخلی می سوزد؛<sup>۳۴</sup> نزاعی که در هیاهوی انقلاب ها و خیزش های مردمی و موج بیداری اسلامی منطقه خاورمیانه به وقوع پیوست. بی تردید نظام سوریه از برخی تضمینات در آزادیها و حقوق مدنی و سیاسی رنج می برد و انجام اصلاحاتی اساسی امری بایسته می نمود. همین دلیل در

<sup>33</sup> See: <http://www.un.org/News/Press/docs/2012/sc10714.doc.htm>  
<sup>34</sup> کمیته بین المللی صلیب سرخ وضعیت سوریه را یک مخاصمه مسلحانه غیر بین المللی ارزیابی کرده است، نک.

<http://www.icrc.org/eng/resources/documents/update/2012/syria-update-2012-07-17.htm>

برخی دیگر از نهادهای بین المللی از جمله کمیسیون بین المللی مستقل حقیقت یاب در خصوص سوریه در گزارش ۲۰۱۱ خود نیز وضعیت سوریه را به عنوان مخاصمه مسلحانه داخلی تلقی کرده اند، نک.

[www2.ohchr.org/english/bodies/hrcouncil/specialsession/17/docs/A-HRC-S-17-2-Add1.pdf](http://www2.ohchr.org/english/bodies/hrcouncil/specialsession/17/docs/A-HRC-S-17-2-Add1.pdf)

"مخاصمه مسلحانه" اصطلاحی است که با توجه به دامنه دار بودن اعمال خشونت آمیز میان طرف های درگیری در مورد یک وضعیت بکار گرفت می شود و موجب برقراری نظام خاص حقوق مخاصمات می گردد. مخاصمات مسلحانه در دو دسته کلی: مخاصمات بین المللی و غیر بین المللی طبقه بندی می شوند و احکام و قواعد خاصی بر هریک از این وضعیت ها حاکم است. جنگ های داخلی ذیل عنوان اعم مخاصمات غیر بین المللی قابل مطالعه و بررسی هستند.





فضای یادشده زمینه بروز اعتراضات را فراهم آورد و متأسفانه پاسخ کوبنده زمامداران سوری به‌ویژه ارتش این کشور، بر وخامت اوضاع افزود و اصلاحات دیرهنگام بشار اسد نیز نتوانست این وضعیت را به ساحل آرامش در آورد. در این میان، نقش آتش‌افروزانه برخی کشورهای فرصت‌طلب منطقه به ویژه ترکیه و عربستان را نمی‌توان از نظر دور داشت.

گفتنی است که گروهی از دولت‌های مخالف سوریه در نشست موسوم به «دوستان سوریه» در استانبول ترکیه، ضمن زیر پا نهادن اصول مسلم حقوق بین‌الملل و در رأس آن اصل مداخله و هم‌چنین اصول و قواعد حاکم بر شناسایی دولت‌ها، موجودیتی به نام «جبهه‌ی ملی سوریه» - که متشکل از گروهی است که تحت عنوان «ارتش آزاد سوریه» فعالیت می‌کند- را به عنوان نماینده‌ی مشروع همه‌ی سوری‌ها و مخاطب جامعه‌ی بین‌المللی معرفی نمودند. شرکت کنندگان در این نشست هم‌چنین تأکید کرده‌اند برای شورشیان سوری کمک مالی و تجهیزات ارتباطی فراهم خواهند کرد که اتخاذ این تصمیم مسلماً به منزله‌ی حرکت این کشورها به سوی استفاده از گزینه‌های نظامی به منظور براندازی دولت بشار اسد به شمار می‌رود. این در حالی است که در صورت جنگ داخلی، یک دولت قانونی می‌تواند از یک کشور دیگر تقاضای کمک کند اما یک گروه شورشی که بر ضد دولت مرکزی می‌جنگد، از چنین حقی برخوردار نیست.<sup>۳۰</sup> شایان ذکر است که دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوی نیکارگوئه علیه ایالات متحده، حمایت دولت آمریکا از فعالیتهای نظامی و شبه نظامی «کنتراس» در نیکارگوئه که با تأمین، تمرین، آموزش و تأمین اسلحه و تهیه اسرار و اطلاعات صورت می‌گرفت را تخطی آشکار از اصل عدم مداخله تلقی کرد و بیان داشت:

<sup>۳۰</sup> البته همان‌طور که اشاره شد، کمک به نهضت‌های آزادیبخش از این قاعده استثناست.





«مشکل است دریافت که از اصل عدم مداخله در حقوق بین الملل چیزی باقی بماند، اگر مداخله که به درخواست دولت جایز است به خواهش مخالفان آن نیز مجاز باشد».<sup>۳۶</sup>

برخی دولت‌های غربی و عربی پس از ناکامی در مجامع بین‌المللی به- ویژه شورای امنیت، در صدد تصمیم‌گیری و اقدام خارج از چارچوب سازمان ملل برآمده‌اند و در حال شکل دادن بدعتی خطرناک در عرصه‌ی یکی از موضوعات راهبردی حقوق بین‌الملل یعنی، مسأله‌ی شناسایی و هم‌چنین هموار نمودن بیش از پیش زمینه‌ی مداخله‌ی خارجی در امور سوریه هستند. چنانکه الکساندر لوکاشویچ - سخنگوی وزارت خارجه‌ی روسیه - در همین رابطه اظهار داشت: «کنفرانس «دوستان سوریه» در پی حل‌وفصل اوضاع سوریه و یافتن راه‌حل مذاکره برای پایان دادن به این درگیری‌ها نیست؛ بلکه درصدد آماده سازی و هموار نمودن صحنه برای مداخله‌ی خارجی در این کشور است».<sup>۳۷</sup>

قانون اخیرالتصویب پارلمان ترکیه که مجوز درگیری نظامی با سوریه را می دهد نه تنها در تضاد آشکار با اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت هاست بلکه با ممنوعیت توسل به زور و یا تهدید به آن در روابط بین المللی نیز مغایرت دارد. اظهارات و اقدامات وزرای امور خارجه امریکا، عربستان و برخی دیگر از کشورها نیز از همین منظر قابل ارزیابی است. همان‌طور که اشاره شد، استناد به دکتترین مسئولیت حمایت به عنوان مجوزی برای مداخله نظامی در سوریه نیازمند قطعنامه لازم‌الاجرائی در سازمان ملل متحد (توسط

<sup>۳۶</sup> عزیزپور، پیشین.

<sup>۳۷</sup> به نقل از: حمیدرضا قنبری نژاد اصفهانی، "بررسی ابعاد شناسایی شورای ملی سوریه از منظر حقوق بین‌الملل؛ عبور از حقوق بین‌الملل"، قابل دسترسی در:

<http://yaserziaee.blogfa.com/post-415.aspx>





شورای امنیت وفق فصل هفتم منشور ملل متحد ویا توسط مجمع عمومی براساس قطعنامه اتحاد برای صلح) است که تاکنون، چنین امری به وقوع نپیوسته است.

#### ۴. نتیجه گیری

جریان موسوم به بیداری اسلامی توانست به رغم مقاومت آشکار و نهان قدرتهای منطقه ای و جهانی راه خود را در دل توده های مردم پیدا کرده و به دستاوردهای شایان توجهی نیز دست یابد. در این میان، برخی قدرتها که منافع خود را در معرض خطر و تهدید می دیدند نیز ساکت و بی تحریک نماندند. این تحرکات به ویژه در کشورهای سوریه و بحرین قابل ملاحظه است: در اولی با حمایت از شورشیان و جریانات معارض دولت و در دومی با پشتیبانی همه جانبه از دولت در مقابل مردم معترض.

قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای در وضعیت سوریه، برخی توقعات و انتظارات مردمی را دستاویزی برای مقابله با محور مقاومت قرار دادند. از یک سو، اصولاً مردمسالاری و حقوق و آزادی های اساسی به ضرب گلوله خارجی محقق نمی شود. از سوی دیگر، ورود غیرقانونی نیروهای خارجی به قلمرو یک کشور با اصول بنیادین نظم بین المللی در تعارض قرار دارد. با مداخلات نظامی خارجی نه عدالت برپا می گردد و نه امنیت برقرار می شود. دلیل اعتراضات داخلی هرچه بود مجوزی برای دخالت در امور داخلی را فراهم نمی آورد و در هر حال، راه حل اختلافات داخلی جز با تفاهم طرف های داخلی میسر نخواهد بود. در نتیجه، بهترین راهکار آن است که کشورها و سازمان های بین المللی به دولت سوریه فرصت انجام اصلاحات مورد خواست مردم را داده و این کشور را در این راستا یاری کنند.





## ۵. منابع و مأخذ

### الف - فارسی

۱. پرونو سیما، "ناتو، سازمان ملل و جنبه های حقوقی استفاده از زور"،

مترجم: محمدجعفر قنبری جهرمی، *مجله حقوقی بین المللی*، شماره ۲۴،

۱۳۷۸.

۲. حمیدرضا قنبری نژاد اصفهانی، "بررسی ابعاد شناسایی شورای ملی

سوریه از منظر حقوق بین الملل؛ عبور از حقوق بین الملل"، قابل

دسترسی در: <http://yaserziaee.blogfa.com/post-415.aspx>

3. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910730000098>

### ب - انگلیسی

4. 2005 World Summit Outcome, GA Res. 60/1 (24 October 2005), UNGAOR, 60th Sess., UN Doc. A/RES/60/1.

5. *Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide* (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro), Request for the Indication of Provisional Measures, Order of 8 April 1993, *Separate opinion of Judge ad hoc Lauterpacht*, ICJ Reports.

6. Crawford, James *et al.* (eds.), *The Law of International Responsibility*, Oxford University Press, 2010.

7. GA. Res. 2625 (XXV) (1970).

8. <http://www.icrc.org/eng/resources/documents/update/2012/syria-update-2012-07-17.htm>





9. *Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia* (South West Africa), I.C.J. Reports 1971.
10. *Military and Paramilitary Activities* (Nicaragua/United States of America), Merits, 1986, I.C.J. Reports 1986.
11. *Report of the International Law Commission on the Work of Its Fifty-Third Session* (2001), UN GAOR, 56<sup>th</sup> Sess., Supp. No. 10, UN Doc. A/56/10.
12. *Report of the Secretary-General on implementing the responsibility to protect*, 12 January 2009, UNGAOR, Sixty-third session, UN Doc. A/63/677.
13. SC. Res. 216 (1965).
14. SC. Res. 389 (1997).
15. SC. Res. 661 (1990).
16. [www2.ohchr.org/english/bodies/hrcouncil/specialesession/17/docs/A-HRC-S-17-2-Add1.pdf](http://www2.ohchr.org/english/bodies/hrcouncil/specialesession/17/docs/A-HRC-S-17-2-Add1.pdf)
17. *Declaration on the Inadmissibility of Intervention and Interference in the Internal Affairs of States*, UN Doc. A/RES/36/103, 9 December 1981. Available at:  
<http://www.un.org/documents/ga/res/36/a36r103.htm>
18. <http://www.un.org/News/Press/docs/2012/sc10714.doc.htm>
19. Antonio Cassese, "Ex iniuria ius oritur: Are We Moving towards International Legitimation of Forcible Humanitarian Countermeasure in the World Community?", *EJIL*, vol. 10, 1999.

